فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۷۶ - ۵۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۴۰۳

واکاوی مبانی قرآنی نظر امام خمینی دربارهٔ غدهٔ سرطانی بودن اسرائیل

محمد ابراهیم‌نیای ترشیزی[۱]
دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد
عباس اسماعیلی‌زاده[۲]
دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)
محمدعلی رضائی کرمانی‌نسب‌پور[۳]
دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰٤/۱۱ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۰۷**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

دیدگاه مشهور امام خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، در تشبیه اسرائیل به غدهٔ سرطانی و پیگیری آن به عنوان سیاست ثابت نظام از آغاز پیروزی انقلاب تاکنون، همواره چالش‌برانگیز بوده و اشکالاتی را در عرصهٔ بین‌الملل و شبهاتی را در داخل کشور به همراه داشته است. با توجه به تحولات شکل‌گرفته، امروزه در عرصهٔ روابط بین‌الملل دربارهٔ تعامل با رژیم صهیونیستی و به ویژه از سوی برخی کشورهای عمدهٔ اسلامی، ضرورت واکاوی مبانی این موضوع را از منظر قرآن بیشتر نشان می‌دهد. بررسی آیات قرآن دربارهٔ بنی‌اسرائیل و به‌ویژه یهود، بیانگر این مسئله مهم است که قرآن در سه زمینهٔ ۱. کیفیت، ۲. ماهیت و ۳. جوامع و سرزمین‌های در معرض خطر، دربارهٔ فسادانگیزی قوم یهود به تفصیل سخن گفته است. در بُعد کیفیت ویژگی‌هایی چون تلاش حریصانه، سریع و بی‌وقفه در گسترش فساد، فسادگستری از موضع حق‌به‌جانب و با برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده و برخی موارد دیگر را برمی‌شمارد. در زمینه دوم فساد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی آنان را خاطرنشان می‌سازد و در محور سوم نه تنها مسلمانان و کشورهای اسلامی بلکه همهٔ اقوام و سرزمین‌ها را در معرض خطر یهود معرفی می‌کند. سه زمینهٔ یادشده به طور کامل بر ویژگی‌های غدهٔ سرطانی از منظر طب منطبق است و این یعنی از یک سو فرمایش امام خمینی یک شعار سیاسی صِرف یا یک موضع‌گیری متعصبانه نبوده و از سوی دیگر، سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی یک سیاست اصولی مستظهر به آیات قرآن و منطبق بر جهان‌بینی صحیح اسلامی است. این اثر براساس شیوهٔ کتابخانه‌ای، مبتنی بر توصیف و تحلیل داده‌ها و متون، با رویکرد برداشت امروزی و کاربردی از آیات و روایات نگاشته شده و از آن جهت که بعد از گردآوری و بررسی نظرات مختلف، پراکنده و در برخی موارد متعارض مفسران، نسبت به تحلیل آیات مرتبط با بنی‌اسرائیل و ارائهٔ برداشت دقیق و علمی‌تر از آیات اقدام کرده و سپس به تبیین میزان ارتباط آن با تعبیر امام‌خمینی پرداخته است، دارای نوآوری می‌باشد. سایر آثار تولیدشده در این موضوع به طور عمده دارای محتوای خطابی و شعارگونه بوده و در این آثار نگاه به روز و عالمانه‌ای، به ویژه به صورت همزمان، نسبت به اسرائیل از منظر قرآن و کشف ارتباط مواضع دشمن‌ستیزانهٔ امام‌خمینی با قرآن و روایات دیده نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: امام خمینی، اسرائیل، غدهٔ سرطانی، مبانی قرآنی.

1. serat1359@hotmail.com
2. esmaeelizadeh@um.ac.ir
3. Rezai@um.ac.ir

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

مقدمه

سؤال پژوهش

. تعبیر چالش‌برانگیزی که امام‌خمینی دربارهٔ رژیم صهیونیستی به کار برده و آن را «غدهٔ سرطانی» نامیده‌اند، تا چه اندازه با معیارهای شرعی، به ویژه توصیفی که قرآن کریم از یهود و بنی‌اسرائیل ارائه فرموده، قابل دفاع است؟

۲. امام خمینی تا چه اندازه در مواضع خود، مرز میان یهودیان صهیونیست را از یهودیان میانه‌رو تفکیک کرده و در این باره تا چه میزان براساس قرآن عمل کرده‌اند؟

فرضیه

۱. تعبیر امام خمینی از اسرائیل، با توجه به ویژگی‌های غدهٔ سرطانی در علم پزشکی، با خصوصیاتی که قرآن کریم از یهودیان و بنی‌اسرائیل برشمرده است، کاملاً منطبق است.

۲. امام خمینی نسبت به یهودیان غیرصهیونیست که قرآن از آنها به «میانه‌رو» تعبیر کرده است، احترام ویژه‌ای قائل بوده‌اند.

بیان مسئله

مواضع امام خمینی در زمینهٔ دشمن‌ستیزی از جمله موضوعات چالش‌برانگیز در حوزهٔ سیاست خارجی ایران است. یکی از عبارات مورد تأکید امام خمینی، تشبیه رژیم صهیونیستی اسرائیل به غدهٔ سرطانی است: «امروز قبلهٔ اول مسلمین به دست اسرائیل، این غدهٔ سرطانی خاورمیانه افتاده است» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۸۹: ج۱۰/۱۵۹). «من از سال‌های طولانی راجع به اسرائیل و راجع به جنایات او همیشه در خطبه‌ها، در نوشته‌ها، گوشزد کرده‌ام به مسلمین که این یک غدهٔ سرطانی است در یک گوشهٔ ممالک اسلامی» (همان: ج۱۲/۳۱۷) و بر قیام همگان برای از بین بردن این غدهٔ سرطانی اصرار داشتند: «اکنون نیز تکرار می‌کنیم که تا ملت‌های اسلام و مستضعفان جهان بر ضد مستکبران جهانی و بچه‌های آنان خصوصاً اسرائیل غاصب قیام نکنند، دست جنایتکار آنان از کشورهای اسلامی کوتاه نخواهد شد و این غدهٔ سرطانی از بیت‌المقدس و لبنان اخراج نخواهد گردید» (همان: ج ۱۵/۲۳۹)[1].

۱. موارد دیگر را بنگرید به: (همان: ج۱۶/ ۳۶ و ۳۲۸؛ ج۲۰/۳۱۹).

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

همان‌طور که همگی اطلاع داریم ادامهٔ این نگرش، که در تاریخ ایران دارای اصالتی کهن بوده و نگاهی قدسی به سیاست خارجی دارد (شکوهی، ۱۳۹۳: ٥٤)، تا به امروز موجب ایجاد تنش‌های بسیاری برای کشور در عرصهٔ جهانی شده است. به ویژه آنکه این رژیم را سازمان ملل متحد در سال ۱۹٤۷م. به عنوان یک کشور قانونی به رسمیت شناخته است (United Nations General Assembly, 1947, resolution 181). همین امر موجب شده است که اقدامات جمهوری اسلامی در مخالفت و معارضه با رژیم غاصب صهیونیستی، به ویژه آن زمان که از زبان مقامات رسمی کشور بیان شده است، به عنوان تلاش برای محو یک کشور قانونی و در تضاد با منشور سازمان ملل قلمداد شود.

ادامه این چالش‌ها در عرصهٔ بین‌الملل به گونه‌ای است که حتی کسانی که در داخل به مخالفت با این دیدگاه پرداخته و به تصریح یا به تلویح این دیدگاه را به نقد کشیده‌اند، معتقدند که این امر به انزوای ایران در عرصهٔ بین‌الملل انجامیده است. چنان که بعضی صاحب‌نظرانِ مسائل سیاسی و صاحبانِ کرسی تدریس در دانشگاه‌ها در مناظرات مختلفی تعابیر کنایی «چه کسی مسئله نابودی اسرائیل را به ما داده است» را به کار برده‌اند (زیباکلام، ۱۳۹٤: https://www.parsine.com/fa/news) و حتی این‌گونه تصریح کرده‌اند: «من کشور اسرائیل را به رسمیت می‌شناسم چراکه سازمان ملل آن را به رسمیت شناخته است» (همان، ۱۳۹۲: http://farhangemrooz.com/news).

بحث دربارهٔ این موضوع امروزه از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. بیشتر کشورهای اسلامی و به ویژه آنان که داعیه رهبری جهان اسلام را دارند، با این مسئله کنار آمده و در نهان و آشکار مشروعیت این رژیم را پذیرفته‌اند و حتی به تازگی رئیس‌جمهور جدید آمریکا طرح «معاملهٔ قرن» را برای صلح میان اسرائیل و فلسطینیان با همراهی کشورهای عمدهٔ اسلامی عرب پیش کشیده است.

دنباله‌روی این‌گونه افکار، که به دلیل تسلط ویژه ایران بر منابع اقتصادی منطقه، هزینه‌های بسیاری را برای این کشور دربر داشته است (بابایی، ۱۳۹۱: ۱٥٤)، به سنجش دقیق با معیارهای شرعی نیاز دارد. به ویژه آنکه از یک سو ممکن است تصور شود که این دیدگاهِ حضرت امام مخصوص دوران خود ایشان بوده است و با توجه به تغییرات و تحولات داخلی و خارجی صورت گرفته و از بعد از امام تاکنون، ضرورتی بر ادامهٔ این سیاست نیست. قابل

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

توجه است که در پی صدور تفکر ضدصهیونیستی امام خمینی در میان مردم مسلمان منطقه و گسترش بیداری اسلامی، به ویژه در کشورهای هم‌مرز با فلسطین اشغالی (موسوی، ۱۳۹۱: ۸۷)، سردمداران رژیم اشغال‌گر صهیونیستی به تلاش‌های خود برای به چالش کشیدن این دیدگاه افزوده‌اند و از جمله با تقویت توان ورزشکاران خود و توسعهٔ حضورشان در میادین مختلف ورزشی سعی دارند با رویارو ساختن آنها با ورزشکاران ایرانی هزینه‌های این سیاست را برای ایران بالاتر ببرند. از سوی دیگر، همراهی نکردن کشورهای عمدهٔ اسلامی با این تفکر و اقدام به برقراری ارتباط با دولت صهیونیستی این شبهه را ایجاد می‌کند که این دیدگاه از پشتوانه منابع اصیل اسلامی به ویژه قرآن برخوردار نیست.

به هر روی ضرورت دارد که با واکاوی مبانی قرآنی این دیدگاه، میزان اعتبار نظرگاه امام خمینی دربارهٔ ماهیت سرطانی اسرائیل را بسنجیم تا در صورت اثبات آن حاصل شود که اولاً سیاست جمهوری اسلامی ایران چه در زمان حضرت امام و چه در دوران رهبری مقام معظم رهبری – مدّ ظلّه – یک سیاست اصولی مستظهر به آیات قرآن و منطبق بر جهان‌بینی صحیح اسلامی است و ثانیاً همراهی نکردن دیگر کشورهای اسلامی با این دیدگاه نقص و کاستی خود آنهاست و برقراری ارتباط با رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه نمی‌تواند کاری درست و مورد تأیید قرآن باشد.

برای دستیابی به این اهداف مباحث قرآنی پیش‌رو در سه محور ارائه خواهند شد که هر سه بر ویژگی–های غدهٔ سرطانی در علم طب منطبق هستند؛ زیرا از دیدگاه علم پزشکی سرطان عبارت است از رشد غیرعادی سلول‌ها در نتیجه تغییرات ژنتیکی، که به از بین رفتن تعادل موجود در سلول‌ها و در نهایت افزایش غیرعادی جمعیت سلول‌هایی منجر می‌شود که می‌توانند به بافت‌های دیگر حمله کرده و آسیب برسانند. در نتیجهٔ این فرآیند بدن دچار عوارض جانبی نیز شده و در صورت درمان نکردن، موجب مرگ میزبان می‌شود (Alison, 2001: 10-11, Frei, 2000: 1).

یادآوری این نکته ضروری است که نویسندگان این مقاله با در نظر گرفتن نگاه امام خمینی به یهودیان میانه‌رو که از آیات قرآن سرچشمه گرفته است، برای این گروه از یهودیان، به ویژه هموطنان کلیمی، احترام خاصی قائل هستند.

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

تبیین تفاوت میان یهودیان میانهرو با یهودیان صهیونیست

امام خمینی، طرفداران رژیم صهیونیستی را جزء یهودیان به شمار نیاورده و حساب آنها را از یهودیان جدا می‌دانستند: «ما حساب جامعهٔ یهود را از حساب «صهیونیزم» و صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم. آنها جزء اهل مذهب اصلاً نیستند... آنها یهودی نیستند. آنها یک مردم سیاسی هستند که به اسم یهودی یک کارهایی را می–کنند و یهودی‌ها هم از آنها متنفر هستند و همهٔ انسان‌ها از آنها باید متنفر باشند» (صحیفه امام‌خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۸۹/۷).

ایشان ضمن تأکید بر قطع هرگونه رابطه با اسرائیل، آزادی را حق ایرانیان یهودی دانسته‌اند: «هرگونه روابط با اسرائیل قطع خواهد شد، اما یهودیان آزاد خواهند بود که در ایران بمانند و در محیط آزادتر از دوران سلطنت شاه زندگی کنند؛ چرا که اسلام به همهٔ مذاهب احترام می‌گذارد» (همان: ج ٤٤٧/٥) و از هرگونه تعرض به آنها و مسیحیان و پیروان مذاهب رسمی نهی فرمودند: « به این یهودی‌ها که در ایران هستند، کسی حق ندارد تعرض بکند، اینها در پناه اسلام و مسلمین هستند، نه به یهودی‌ها و نه به نصارا، اینهایی که مذهب رسمی دارند». تأکید ایشان موجب شد تا در دهه‌های پس از انقلاب، نه تنها یهودیان، بلکه سایر اقلیت‌های مذهبی نیز از حقوق مساوی با سایر ایرانیان برخوردار باشند. (زارعی، ۱۳۹۲: ٤٩)

البته به نظر می‌رسد در برخی مواقع امام خمینی، اسرائیلی‌ها را مصداق یهودی دانسته‌اند: «این عرفات[1] الان می‌خواهد یهودیان را به آنجا[2] مسلط کند... باید مردم دست به دست هم بدهند و عرفات را از جمع خودشان خارج کنند، تا خودشان بتوانند کاری را انجام بدهند و تا آن وقتی که یک نفر یهودی در آنجا هست باید بایستند و کار را تمام کنند همانطور که ما کردیم و با ایستادگی کار تمام می‌شود. بدانید این معنی را، الان به دست و پا افتاده‌اند اسرائیلی‌ها. الان دارند عرفات را ترویج می‌کنند، برای اینکه قائل به این است که یهود هم باشد ما هم باشیم. در صورتی که یهود نباید آنجا باشد؛ هیچوقت» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۹۲/۲۱).

آیه «وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقامُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ ساءَ ما يَعْمَلُونَ» (مائده/٦٦)، بیشتر اهل کتاب را پیروان باطل دانسته (طباطبایی، ١٤١٧ق: ج ٣٧/٦)، اما عده کمی از آنان را میانه رو می‌داند (طوسی،

۱. یاسر عرفات رئیس سابق تشکیلات خود گردان فلسطین
۲. فلسطین

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

ج۵۸۶/۳). از آنجا که ظاهر آیهٔ مذکور، اعم از یهودیان و مسیحیان است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۳۴۱/۳)، اینگونه برداشت می‌شود که عدهٔ کمی از پیروان آیین یهود، میانه‌رو هستند. گرچه برخی بر این نظرند که مراد از عبارت «مقتصده»، آن دسته از اهل کتاب هستند که اسلام آورده‌اند (طبری، ۱٤۱۹ق: ج ۱۹۸/٦)، اما نمی‌توان در این آیه قرینه‌ای یافت که این واژه را از معنای اصلی آن – که همان «میانه‌روی در عمل، نه ستمگری و نه انجام خیر» هست (مصطفوی، ۱۳٦۸ش: ج ۲۹۷/۹)– خارج کرده و به معنای «اسلام آوردن» درآورد. از اینرو، نظر مفسرانی که این عبارت را اشاره به یهودیان و مسیحیانی می‌دانند که ضمن باقی ماندن بر آیین خود، از ظلم و تندروی اجتناب می‌کنند (الثعالبی، ۱٤۱٦ق: ج ٤۰۲/۲)، صحیح‌تر است.

آیه «وَ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَ مِنْهُم مَّنْ إِن تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا...» (آل عمران/۷۵) که درباره یهودیان نازل شده است (ثعلبی، ۱٤۲۲ق: ج ۹٤/۳)، نیز به همین گروه میانه‌رو اشاره فرموده، اما از ایمان آوردن ایشان یادی نکرده است. بنابرین، یهودی بودن با امانتداری و میانه‌روی قابل جمع است، هرچند اکثر پیروان این آیین به استناد آیه «قُلْ يَأَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَ أَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ »(مائده/۵۹)، در زمره فاسقانند (آلوسی، ۱٤۱۵ق: ج ۳٤۰/۳)

همچنین آیه «وَ مِنْ قَوْمِ مُوسى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف/۱۵۹)، تأیید می‌فرماید که گروهی از یهود، سعی در عدالت‌ورزی و هدایت مردم دارند (طباطبایی، ۱٤۱۷ق: ج ۸ /۲۸٤).

وجود یهودیانی که امروزه با سیاست‌ها و جنایات رژیم صهیونیستی به مخالفت جدی برخاسته و پرچم این رژیم را در انظار عمومی به آتش می‌کشند، اما در عین حال به دین اسلام نگرویده‌اند، مؤید نظر برگزیده درباره مصداق آیات مورد اشاره است.

وجود یهودیان میانه‌رو موجب نشده است تا قرآن، از لفظ «یهود» برای گروه ظالمی که پیرو این آیین هستند استفاده نکند: «وَ قالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ...» (توبه/۳۰)؛ بلکه پیروان این آیین را به صراحت نفرین فرموده: «وَ قالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْديهِمْ وَ لُعِنُوا بِما قالُوا...»(مائده/٦٤) و ایشان را سرسخت‌ترین دشمنان اهل ایمان معرفی کرده: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَداوَةً لِلَّذينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذينَ أَشْرَكُوا...» (مائده/۸۲) و امت اسلامی را از هر گونه رابطهٔ دوستانه با آنان بر حذر می‌دارد: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصارى أَوْلِياء...» (مائده/۵۱).

لفظ یهود در سخنان معصومان نیز به معنای ظالمان پیرو این آیین به کار رفته است (کلینی،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

۱۳۶۹ش: ج۲/ ۲۸۲[۱]؛ صحیح بخاری، ۱٤۱۰ق: ج ۱۷۱/۲[۲]؛ سنن ترمذی، ۱٤۱۹ق: ۳۲۵[۳]).

طبق آنچه که گفته شد، نظر امام خمینی از این جهت که در میان پیروان آیین یهود، گروهی معتدل هستند که باید به رسمیت شناخته شده و حقوق آنان حفظ شود، مورد تأیید قرآن است، اما این سخن ایشان که یهودیان ظالم را از جرگهٔ یهودیان خارج می‌دانند، با آیات قرآن و روایات مطابقت ندارد. بر همین اساس در این نوشتار، مقصود از واژه «یهود»، از باب تغلیب اعم بر اخص، به معنای یهودیان ستمگر می‌باشد.

کیفیت فسادگستری یهود

تتبع در آیات قرآن کریم و دقت در واژگان و تعابیر به کار رفته برای بیان جریان فسادگستری بنی‌اسرائیل ما را به موارد ذیل رهنمون می‌شود:

۱. تلاش حریصانه در گسترش فساد

در آیه ٦۰ سوره مبارکه بقره، قوم بنی‌اسرائیل با عبارت «ولاتعثوا» از فساد کردن در زمین نهی شده‌اند: «وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ». توجه به نظرات مفسران دربارهٔ این عبارت، زوایای دقیق‌تری از افساد این قوم را آشکار می‌شود. سیوطی در الدر المنثور از ابن عباس آورده است که معنای «لاتعثوا» را همان «لاتسعوا» (سعی نکنید) می‌داند (۱٤۰٤ق: ج۷۹/۱) که صاحبان جامع البیان، التبیان و مجمع‌البیان هم این عبارت را نقل کرده و آن را از میان سایر نظرات برگزیده‌اند (طبری، ۱٤۱۹ق: ج۲٤٤/۱؛ طوسی: ج ۲۷۱/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۲۵۱/۱).

البته مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان نکته‌ای قابل توجه به معنای مذکور افزوده است که شبیه آن را در برخی تفاسیر دیگر نیز می‌توان دید و آن اینکه عبارت «لا تعثوا» هرگونه احتمال را نفی می‌کند، مبنی بر اینکه عمل بنی‌اسرائیل با وجود داشتن ظاهری مفسدانه، در

۱. ... فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: صَدَقْتَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُول:... َ فَأَمَّا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ فَهُمُ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى... .

۲. قال رسولالله: لتقاتلن اليهود فلتقتلنهم حتى يقول الحجر يا مسلم هذا اليهودی فتعال فاقتله.

۳. قال رسولالله: تقاتلكم اليهود فتسلطون عليهم حتى يقول الحجر يا مسلم هذا اليهودی من ورائی فاقتله.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

باطن خیر باشد؛ چرا که ممکن بود برخی اعمال ناشایست، بنی‌اسرائیل را از باب آسیب زدن به کشتی و کشتن نوجوان توسط حضرت خضر(ع) بدانند و درصدد توجیه آن برآیند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۲۵۱/۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۵۸ش: ج ۲٤/۲؛ رازی، ۱٤۰۸ق: ج ۳۰۹/۱).

نیز گفته شده که «لاتعثوا» به معنای «لاتمشوا» و «لاتسیروا» است که از ابومالک، ابوحاتم رازی و قتاده روایت شده است (سیوطی، ۱٤۰٤ق: ج ۷۲/۱؛ ابن ابی حاتم: ج ۱۲۲/۱) و بر اساس آن، قوم بنی‌اسرائیل نه تنها از فساد کردن که از انتقال فساد روی زمین از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر نهی شده‌اند. مؤید این معنا سخن کسانی مثل فخر رازی است که عبارت مذکور را به معنای مبالغه در فسادگستری گرفته است (ج۵۳۰/۳) یا کسانی که آن را به معنای «أشد الفساد»، «فسادانگیزی در حد غایت» و «تجاوز از حد و طغیان» دانسته‌اند (طبری، ۱٤۱۹ق: ج ۱/ ص۲٤٤؛ آلوسی، ۱٤۱۹ق: ج ۲۷۳/۱؛ طباطبایی، ۱٤۱۷ق: ج ۱۹۰/۱). به نظر می‌رسد که ابن عباس و تبع وی زمخشری بهترین توضیح را ارائه کرده‌اند: «شدهٔ الفساد، بل هو اشد الفساد، اذا تجاوز فی الافساد إلی غایته» (طبری، ۱٤۱۹ق: ج ۲٤٤/۱؛ زمخشری، ۱٤۰۷: ج ۱٤٤/۱).

با توجه به آنچه دربارهٔ معنای عبارت «لاتعثوا» ملاحظه شد و آنچه از مطالعه سایر تفاسیر به دست می‌آید، می‌توان گفت که عبارت «لاتعثوا» در خطاب به یهود بنی‌اسرائیل جامع معانی مختلفی است. مانند «لاتسعوا»، «لاتطغوا»، «اشد الفساد»، «لاتتمادوا فی الفساد»، «لاتمشوا بالمعاصی»، «لاتسیروا بالمعاصی»، «لاتضربوا فی الارض» (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۲۸۵/۵) و این به این معناست که در حقیقت آیه مورد بحث سوره بقره با نهیِ این گونهٔ بنی‌اسرائیل از فساد، درصدد انتقال این پیام به مخاطب است که بنی‌اسرائیل قومی است که به سرعت و با حرص و طمع و حالتی برخاسته از طغیانگری و دشمنی و تجاوزگری سعی در گسترش فساد از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر زمین دارند. فسادی که هیچ راه توجیهی ندارد و نمی‌توان تصور کرد که در باطن خیر باشد.

موارد یادشده برای معنای «لاتعثوا» و به دنبال آن مراد از فساد بنی‌اسرائیل را آیات دیگر قرآن نیز تأیید می‌کنند.

۲. تلاش سریع و بیوقفه در گسترش فساد

در آیه ٦٤ سوره مائده خداوند سبحان فسادانگیزی بنی‌اسرائیل را با عبارت «و یسعون

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

فی الارض فسادا» وصف کرده است: « وَقَالَتِ الْيَهُودُ يدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ ينْفِقُ كَيفَ يشَاءُ وَلَيزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَينَا بَينَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يوْمِ الْقِيامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يحِبُّ الْمُفْسِدِينَ». بیشتر مفسران در توضیح عبارت «یسعون» به تلاش و کوشش سخت و مداوم برای فسادانگیزی اشاره کرده‌اند (فیض کاشانی، ١٤١٥ق: ج ٥٠/٢؛ قمی مشهدی، ١٣٥٨ش: ج ١٦٤/٤؛ آلوسی، ١٤١٥ق: ج ٣٩٤/٣؛ طبرسی، ١٣٧٢ش: ج ٣٤١/٣)، اما صاحب المیزان علاوه به معنای مذکور به قید دیگری نیز اشاره کرده است: «السعی هو السیر السریع» (طباطبایی، ١٤١٧ق: ج ٣٧/٦). بنابراین، معنای «یسعون» با صیغه مضارع بودن آن و دلالت مضارع بر استمرار، در واقع تلاش شدید و سرسختانه و شتابان و پیوستهٔ بنی‌اسرائیل برای گسترش فساد را می‌فهماند و این معنا با عبارت پیش گفتهٔ «لاتعثوا» هم‌خوانی کامل دارد.

۳. فسادگستری از موضع حق به جانب

در آیه ٦٢ سوره مائده، فسادانگیزی یهود با عبارت «یسارعون» بیان شده است: «وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يعْمَلُونَ». از آنجا که «یسارعون» از باب مفاعله است، متضمن معنای سبقت جستن از یکدیگر و مبالغهٔ در سرعت است. نکتهٔ مهم دیگری که در این عبارت باید بدان توجه داشت، این است که «یسارعون» نیت باطنی یهود در فسادگستری را نیز فاش می‌سازد.

سرعت معمولاً دربارهٔ امور خیر به کار میرود، مانند سرعت گرفتن در کار خیر، چنان که دربارهٔ مؤمنان اهل خشیت می‌فرماید: «أُولَئِكَ يسَارِعُونَ فِي الْخَيرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مؤمنون/٥٦) و یا امر الهی به سرعت گرفتن در کسب مغفرت الهی و ورود به بهشت در زمرهٔ متقیان: «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ » (آل عمران/١٣٣).

در مقابل برای کارهای شرّ و امور ناپسند بیشتر از عجله و مشتقات آن استفاده می‌شود، مانند اشاره به خلقت انسان از شتاب و عجله: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ» (انبیاء/٣٧) که از قرائن ناپسند بودن آن یکی این است که بلافاصله بعد از اشاره به سخره کافران نسبت به پیامبر اکرم ص: «وَإِذَا رَآكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

كَافِرُونَ » (انبياء/۳۸) آمده است و دوم اینکه ذیل آیه، همان کافران استهزاکننده را هشدار داده است: «سَأُرِيكُمْ آياتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ». همینگونه است استعجال عذاب: «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يشْعُرُونَ» (عنکبوت/۵۳)، یا تعجیل در عذاب کردن: «وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا» (کهف/۵۸) و حتی عجلهٔ حضرت موسی (ع) برای رفتن به میقات: «وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يا مُوسَى» (طه/۸۳) و بسیاری موارد دیگر.

نتیجه آنکه هر چند در آیهٔ مورد بحث سورهٔ مائده به ظاهر مناسب‌تر این بود که برای بیان شتاب بنی‌اسرائیل در فساد کردن از مادّه عجله استفاده گردد و نه عبارت مسارعه که بیشتر برای کار خیر استفاده می‌شود – چنان که مفسرانی نیز متفطن آن شده‌اند – برای نشان دادن این مهم است که یهود در عین فسادگستری، خود را برحق دانسته و کارهای خود را شایسته می‌پندارند (طباطبایی، ۱٤۱۷ق: ج ۳۱/٦؛ رازی، ۱٤۰۸ق: ج ٤۸/۷؛ فخر رازی، ۱٤۲۰ق: ج ۳۹۲/۱۲).

شیخ طوسی علاوه بر مطلب ذکرشده، نکتهای دیگر را اضافه کرده و آن اینکه آیه در مقام مذمت، تعجیل در فسادگستری است (طوسی: ج ۵۷۷/۳)، لذا بنی‌اسرائیل نه تنها به خاطر فسادگستری بلکه برای شتاب در این کار مورد عتاب قرار گرفته‌اند و از اینکه آیه خطاب به خواننده یا به پیامبر (ص) است، برداشت می‌شود که درصدد است تا هم فسادگستری و هم سرعت یهود را در این امر هشدار دهد.

٤. فسادگستری با برنامهریزی دقیق و حسابشده

آلوسی بغدادی از عبارت «يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ» در آیه ٦۲ سوره مائده استفاده کرده است که آمدن حرف جرّ «فی» به جای «إلی»، حرف جرّ اختصاصی فعل «سارع»، برای تضمین معنای «تمکّن» است و این یعنی آیه نشانگر تسلط یهود بر کار فسادگستری و در عین حال همخوانی روح و ابزار اینان با امر فسادگستری است، آنچنان که ظرف و مظروف با یکدیگر هم‌خوانی دارند (آلوسی، ۱٤۱۵ق: ج ۳٤۵/۳). مؤید این برداشت، فعل «یصنعون» در پایان آیه بعدی است که می‌فرماید: «لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ الْاثْمَ وَ أَكلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُواْ يَصْنَعُونَ» (مائده/٦۳)؛ چرا که تفاوت «یصنعون» و «یعملون» در این است که عمل، به

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

هر کار آگاهانه یا ناآگاهانه اطلاق میشود، اما «یصنعون» حامل معنای دقت در عمل همراه با طراحی و برنامه‌ریزی و از روی آگاهی است (قمی مشهدی، ۱۳۵۸ش: ج ۱۶۰/٤).

۵. فسادگستری بیسابقه

جنبهٔ دیگر فسادانگیزی بنی‌اسرائیل که با معنای «لاتطغوا» برای عبارت «لاتعثوا» همخوانی دارد، برتریجویی و استکبار است که در این سخن خداوند سبحان ذکر شده است: «وَ قَضَيْنَا إِلَىَ بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَينِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا» (اسراء/٤). عبارت «و لتعلن علوا کبیراً» که با لام و نون مشدّد مؤکد شده و پس از آن مفعول مطلق تأکیدی موصوف به وصف «کبیراً» آمده و اینکه تمام این عبارت، به فعل مؤکد «لتفسدن» عطف شده است، همه گویای فساد عظیم و بی‌سابقه و منحصربه فرد بنی‌اسرائیل است.

بسیاری از مفسران، عبارت «لتعلن علوا کبیراً» را به معنای استکبار و ظلم بزرگ می‌دانند (طبری، ۱٤۱۹ق: ج ۱٦/۱۵؛ فخر رازی، ۱٤۲۰ق: ج ۲۹۹/۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ٦۱۵/٦؛ قمی مشهدی، ۱۳۵۸ش: ج ۳۵۸/۷). همچنین ذکر کرده‌اند که این برتریجویی به معنای ظلم به مردم و تحت سلطه درآوردن آنان است (فخر رازی، ۱٤۲۰ق: ج ۲۹۹/۲۰). وصف «کبیراً» نیز نشان‌دهندهٔ غیرعادی بودن این برتری‌جویی است که در آیهٔ ۱٦۰ سوره نساء که می‌فرماید: «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمْنَا عَلَيهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا» مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. در واقع آیه ٤ سوره اسراء در مقام بیان فراگیر بودن و فشار بی‌حدّوحصر و برتری‌جویانه بودن فساد بنی‌اسرائیل است و آیه ۱٦۰ سوره نساء در مقام بیان تکرار فساد و تنوع راهکارهای فسادانگیزی یهود و کثرت قربانیان آنهاست (طباطبایی، ۱٤۱۷ق: ج ۱۳۷/۵؛ آلوسی، ۱٤۱۵ق: ج ۱۸۹/۳).

٦. فسادگستری ناشی از دشمنی سرسختانه

آیه ۸۲ سوره مائده با بهرهگیری از لفظ «أشد» در مقام بیان میزان عداوت یهود با جامعه مؤمنان، از زاویه دیگری فسادانگیزی پیروان آیین یهود را بیان میفرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ أَشرَكُواْ». آلوسی بر آن است که این آیه ضمن بیان سرسختی یهود، درصدد است تا دشمنان امت اسلام را در درجهٔ اول یهود و پس از ایشان، مشرکان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

معرفی کند و متذکر می‌شود که لفظ «یهود» عمومیت داشته و به یهود مدینه و معاصر رسول خدا اختصاص ندارد (آلوسی، ١٤١٥ق: ج ٤/٤).

مؤید اولویت یهود نسبت به مشرکان آیه ٩٦ سوره بقره است که حتی در وابستگی و حرص شدید نسبت به دنیا، یهودیان را بر مشرکان مقدم می‌داند: «وَ لَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلىَ حَيَوةٍ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُواْ يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَ مَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَن يُعَمَّرَ وَ اللَّهُ بَصِيرُ بِمَا يَعْمَلُون». روایت مشهور ابوهریره از رسول مکرم اسلام که در منابع اهل سنت مکرر نقل شده نیز سرسختی یهود با امت اسلام را تأیید می‌کند و این عداوت را به تکتک یهودیان نسبت می‌دهد: «ما خلا یهودیٌّ بمسلم الا همّ بقتله» و در روایتی دیگر «الا حدّث نفسه بقتله» (سیوطی: ج ٣٠٢/٢؛ همو، الجامع‌الکبیر، ١٤٠٤ق، باب المیم: ج١/ حدیث ٢٠٨٤٧). اغلب مفسران اهل سنت و برخی از مفسران شیعه از این روایت ذیل آیه ٨٢ مذکور مائده استفاده کرده‌اند (آلوسی، ١٤١٥ق: ج ٤/٤؛ رازی، ١٤٠٨ق: ج ١٠٥/٧؛ صادقی تهرانی، ١٣٦٥ش: ج ١٨٢/٩).

در آیه ٢٠٤ سوره بقره، معنای «أشد عداوه» با لفظ «ألد الخصام» بیان شده است: «وَ مِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَ يُشْهِدُ اللَّهَ عَلىَ مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَام ». به تعبیر فخر رازی این آیه و آیهٔ بعدی که در ادامه قبل می‌فرماید: «وَ إِذَا تَوَلىَ سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ» (٢٠٥)، توصیفی مختصر و بلیغ در تبیین فسادانگیزی است (فخر رازی، ١٤٢٠ق: ج ٣٤٧/٥).

ماهیت فساد و افساد یهود

قرآن کریم در آیاتی چند به معرفی ماهیت افساد یهود پرداخته است که وجوه مختلفی را به شرح ذیل شامل می‌شود:

١. افساد اقتصادی

قرآن کریم تصریح دارد که یهود اهل گرفتن ربا و خوردن مال باطل هستند: «وَ أَخْذِهِمُ الرِّبَواْ وَ قَدْ نُهُواْ عَنْهُ وَ أَكلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» (نساء/١٦١). اما در آیات ٤٢، ٦٢ و ٦٣ مائده با عبارت «سُحت» به این بُعد از فسادگستری یهود اشاره کرده است: «سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

لِلسُّحْتِ»، «وَ تَرى كَثيراً مِنْهُمْ يُسارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ ما كانُوا يَعْمَلُون» و «لَوْ لا يَنْهاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ ما كانُوا يَصْنَعُون». «سُحت» به معنای هر مالی است که از راه حرام به دست آید (طباطبایی، ۱٤۱۷ق: ج ۳٤۱/۵). بسیاری از مفسران در تبیین معنای «سحت» به رشوه، ربا، سود حاصل از معامله نجاست و ابزار لهو و لعب اشاره و به روایاتی نیز استناد کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱٤۱۵ق: ج ۳۸/۲؛ طبری، ۱٤۱۹ق: ج ۱۵۷/٦–۱۵۵) که جامع‌ترین این روایات از امام باقر(ع) نقل شده است: «سألت أباجعفر علیه السلام عن الغلول فقال. کل شیء غل من الامام فهو سحت. و أکل مال الیتیم و شبهه سحت. و السحت أنواع کثیرة منها أجور الفواجر و ثمن الخمر و النبیذ المسکر و الربا بعد البینة، فاما الرشا فی الحکم فان ذلک الکفر بالله العظیم و برسوله صلی الله علیه و آله و سلم» (کلینی، ۱۳٦۹ش: ج ۱۲٦/۵). به نظر می‌رسد این روایت و روایات مشابه هر کدام در مقام بیان مصادیق «سحت»اند و نه محدود کردن معنای آن در چند مورد خاص. بنابراین، معنایی که در ابتدا از علامه طباطبایی ذکر شد، کامل‌ترین ترجمه است.

از موارد مذکور می‌توان نتیجه گرفت که یکی از جنبه‌های مهم فسادانگیزی یهود، جنبه اقتصادی است که در آیات دیگر قرآن کریم مورد تأکید و یادآوری قرار گرفته است: از جمله در آیه ۷۹ سوره بقره که چنین فرموده: «فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَاذَا مِنْ عِندِ اللَّهِ لِيَشْتَرُواْ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا يَكْسِبُون » و اشاره به پولی است که برای تحریف آیات دریافت می‌کردند. جنبهٔ خطرناک‌تر فساد اقتصادی یهود را در آیه ۱٦۱ سوره نساء که در آغاز این بحث ذکر شد ملاحظه می‌کنیم: «وَ أَخْذِهِمُ الرِّبَواْ وَ قَدْ نُهُواْ عَنْهُ وَ أَكلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» و از آنجا که خداوند وعدهٔ نابودی ربا را داده است: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبا» (بقره/۲۷٦)، می‌توان استفاده کرد که یهود به صورت طراحی‌شده و با آگاهی کامل – که توضیح آن ذیل عبارت «یصنعون» ارائه شد– درصدد ریشه‌کنی اقتصاد سایر ملت‌هاست. این سخن هم‌خوانی بیشتری با واژه «سُحت» دارد؛ چرا که «سُحت» در اصل به معنای «ریشه‌کن شدن» است (قمی مشهدی، ۱۳۵۸ش: ج ۱۲۰/٤؛ طبری، ۱٤۱۹ق: ج ۱۵٦/٦)، همان طور که در تنها استعمال دیگر قرآنی آن به غیر از «سُحت»، آمده است: «قالَ لَهُمْ مُوسى وَيْلَكُمْ لا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِباً فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذابٍ وَ قَدْ خابَ مَنِ افْتَرى» (طه/٦۱).

اظهارات دانشمندان و نظریه‌پردازان یهود در دوران معاصر نیز به صراحت گویای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

این امر است که آنها به دنبال نابودی اقتصاد غیریهودیان از طریق ترویج بانکداری ربوی بوده‌اند: «پول‌های مازاد بر احتیاجمان را به کشورهای غیریهودی وام می‌دهیم و با استفاده از رشوه‌خواری مدیران و اهمال و ندانم‌کاری فرمانروایانِ این‌گونه ممالک، دو تا سه برابر پولهایمان را پس می‌گیریم» (پروتکل‌های دانشوران صهیون، پروتکل ۲۱). رخدادی که در بانکداری امروز جهان و به تبع آن فروپاشی و ورشکستگی‌های متعدد نظام‌های اقتصادی شاهد آن هستیم (Bank Failures in Mature Economics, 2004).

غصب ثروت‌های مردم توسط یهود در همین آیه با عبارت «أَكلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» و با تعبیر مشابه در آیهٔ دیگری چنین آمده است: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنَّ كَثيراً مِنَ الْأَحْبارِ وَ الرُّهْبانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ» (توبه/۳٤). در آیه ۵۳ سوره نساء به صفت بخل و حسد این قوم که منجر به تحریم سایر ملت‌ها می‌شود، اشاره شده است در حدی که اگر ثروتی به چنگشان آید حتی به اندازه یک روزنه هسته خرما نیز کسی را بهره‌مند نمی‌کنند: «أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذًا لَّا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا». براساس همین آیه می‌بینیم که یهود در هر عرصه‌ای که قدرت یافته به تحریم سایر جوامع اقدام کرده است (US Sanctions programs and country information, 2017).

در آیه ۲۰۵ سوره بقره برای تبیین فساد یهود، عبارت «يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ» ذکر شد. نظرات مفسران دربارهٔ معنای این عبارت نسبتاً متنوع است. مطابق نظر علامه طباطبایی با توجه به اینکه قوام زندگی جامعه به تغذیه و تولید وابسته است، دشمن درصدد از بین بردن زیرساخت‌های این دو رکن حیاتی است (طباطبایی، ۱٤۱۷ق: ج ۹۲/۲). آلوسی و برخی دیگر نیز حرث را به معنای کشاورزی و نسل را به معنای دامداری گرفته‌اند (آلوسی، ۱٤۱۵ق: ج ٤۹۱/۱؛ طبری، ۱٤۱۹ق: ج ۱۸۵/۲؛ ابن قتیبه: ۷٤). بر این اساس، یکی از جهات دشمنی و فسادانگیزی یهود، از بین بردن زیرساخت‌های کشاورزی و دامداری سایر جوامع است؛ امری که امروزه به عنوان حملات بیولوژیک در هر دو عرصهٔ مذکور مطرح است. گسترش بذرهای تراریخته (Julian K-C Ma, 2008: 290-298) و ایجاد و گسترش بیماری‌هایی همچون جنون گاوی، آنفولانزای پرندگان و امثال آنها از این دسته اقدامات هستند (Hayden, 2005: 1311–1314).

دیگر آن که عبارت «لا تعثوا» غیر از آیه ٦۰ بقره، در آیات ۸۵ هود و ۱۸۳ شعراء از زبان

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

حضرت شعیب (ع) خطاب به ساکنان منحرف مَدیَن بیان شده است: «وَ یا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِکْیالَ وَ الْمیزانَ بِالْقِسْطِ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیاءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدینَ»، «وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیاءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدین». همان طور که در هر دو آیه ملاحظه می‌شود فسادی که حضرت شعیب به قوم خود گوشزد می‌کنند، در درجه اول جنبه اقتصادی و در درجه دوم جنبه امنیتی- اقتصادی دارد؛ چراکه ساکنان مدین به کم‌فروشی آلوده بوده، به راهزنی اقدام می‌کردند و در هر دو مورد خوردن مال حرام محوریت دارد. پس عبارت «لاتعثوا» در آیه ٦٠ بقره، به قرینه آیه ٨٥ هود و ١٨٣ شعراء، جنبه اقتصادی فسادانگیزی یهود را نیز در خود نهفته دارد.

٢. افساد فرهنگی

برای دو واژهٔ «حرث» و «نسل» در آیهٔ قبلی معانی دیگری نیز ذکر شده که در واقع تأویل‌اند و نمی‌توان به آنها ترجمه اطلاق کرد. از امام صادق (ع) چنین روایت شده است: «الحرث فی هذا الموضع الدین و النسل الناس» (فیض کاشانی، ١٤١٥ق: ج ٢٤٠/١؛ آلوسی، ١٤١٥ق: ج ٤٩١/١). با توجه به این روایت مقصود آیه، فساد فرهنگی است. برخی معانی و تأویل‌های دیگر ذکرشده برای این دو واژه نیز به طور عمده محتوای فرهنگی دارند. مثل اینکه «حرث» به معنای قطع رحم و «نسل» به معنای ریختن خون مسلمانان است (طبری، ١٤١٩ق: ج ١٨٥/٢) یا این سخن که بر اساس آیه «نِساؤُکُمْ حَرْثٌ لَکُم» (بقره/ ٢٢٣)، «حرث» به معنای زنان و نسل به معنای کودکان است (فخر رازی، ١٤٢٠ق: ج ٣٤٨/٥). در صورتی که جنبه فرهنگی معانی این دو واژه را هم صحیح بدانیم می‌توان آیه ٢٢ سوره محمد را مؤید این احتمال دانست که می‌فرماید: «فَهَلْ عَسَیْتُمْ إِن تَوَلَّیْتُمْ أَن تُفْسِدُواْ فِی الْأَرْضِ وَ تُقَطِّعُواْ أَرْحَامَکُم»، زیرا در آن همانند آیه مورد بحث سوره بقره بعد از اشاره به فساد در زمین بعد از تولی، به هر یک از معانی ذکرشدهٔ قبلی، به قطع رحم اشاره شده که به نوعی جانشین اهلاک حرث و نسل است. به ویژه اینکه در النکت و العیون برای فساد حرث معنای «صدّ» و برای فساد نسل معنای کفر بیان شده است (ماوردی بصری، ٤٥٠ق: ج ٢٦٦/١) و از آنجا که عبارت «صد عن سبیلالله» در آیه ١٦٠ نساء در مقام ایجاد انحراف فرهنگی و فکری به کار رفته است و مصداق أتم آن که همان کفر است، نیز در آیه ١٥٦ نساء آمده است، ارتباط معنایی آیات یادشده بیشتر روشن و ماهیت ضدّ فرهنگی و فکری فسادانگیزی یهود آشکارتر می‌شود.

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

یک اشکال و پاسخ آن

از یک سو گفته شد که معنای ظاهری «حرث» و «نسل» جنبه اقتصادی دارد و از سوی دیگر چنان که ملاحظه شد در برخی روایات و همچنین مطابق نظر بعضی مفسران، برای این واژه‌ها معانی فرهنگی ذکر شده است. از اینرو، به نظر می‌رسد که میان متن آیه و متن روایات تعارض وجود دارد. لکن باید گفت که این تعارض، تعارض مستقر نیست و با توجه به حدیث امام حسین (ع) در روز عاشورا قابل رفع است. در روز عاشورا بعد از ٦ بار سخنرانی و نصیحت امام حسین(ع) برای لشکر دشمن، تنها پاسخی که به امام داده شد، حرف‌های پوچ و تمسخرآمیز سربازان بود. در نهایت امام ریشه این انحراف بزرگ را در این دانستند که شکم‌های آنان از حرام پر شده است: «قال حسین بن علی: إِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْشَدِينَ وَ مَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلَكِينَ وَ كُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي، فَقَدْ مُلِئَتْ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ» (مجلسی، ١٤٠٣ق: ج ٤٥/ ٨). پس در واقع روایت امام صادق (ع) بیان نتیجهٔ فساد اقتصادی یهود است.

اینکه در آیات ١٦٠ و ١٦١ سوره نساء «مانع راه خدا شدن»، «گرفتن ربا» و «خوردن مال مردم» پیدرپی آمده‌اند: «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمْنَا عَلَيهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا/ وَ أَخْذِهِمُ الرِّبَواْ وَ قَدْ نُهُواْ عَنْهُ وَ أَكلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ»، گویای تأثیر متقابل فساد اقتصادی و فرهنگی بر یکدیگر است و اینکه امامان معصوم تأویل آیه چهارم سوره اسراء را که می‌فرماید: «وَ قَضَيْنَا إِلَىَ بَنِي إِسْرَاءِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَينِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا»، به شهادت رساندن امام حسین (ع) بیان کرده‌اند، نیز در همین راستا قابل ارزیابی است (کلینی، ١٣٦٩ش: ج ٢٠٦/٨). به این معنا که از کنار هم قرار دادن این آیات و روایات به این نتیجه می‌رسیم که امام حسین (ع) در اثر انحرافات اقتصادی ایجادشده به دست یهود در میان امت اسلام، به شهادت رسیدند و به همین دلیل شهادت ایشان به یهود نسبت داده شده است.

٣. افساد سیاسی – نظامی

گرچه بیشتر مفسران، لفظ «تولّی» در آیهٔ ٢٠٥ بقره که می‌فرماید: «وَ إِذَا تَوَلىَ سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ» را به معنای روی گرداندن دانسته‌اند اما، علامه طباطبایی معتقد است که به قرینه آیهٔ بعدی به معنای به حکومت رسیدن است: «التولی هو تملک الولایة و السلطان، و یؤیده قوله تعالی فی الآیة التالیة: أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

الدال علی أن له عزة مکتسبة بالإثم الذی یأثم به قلبه غیر الموافق للسانه، و السعی هو العمل و الإسراع فی المشی، فالمعنی و إذا تمکن هذا المنافق الشدید الخصومة من العمل و أوتی سلطانا و تولی أمر الناس سعی فی الأرض لیفسد فیها» (طباطبایی، ١٤١٧ق: ج ٩٦/٢). بنابراین، طبق نظر علامه باید از میان معانی مختلف عبارت تولی معنایی را انتخاب کنیم که هم‌خوانی آن با آیه بعد و عبارت العزة حفظ شود.

همچنین دو آیه ۵۳ و ٥٤ سورهٔ نساء که می‌فرماید: «أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذًا لَّا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيراً/ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلىَ مَا ءَاتَئهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ فقَدْ ءَاتَيْنَا ءَالَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الحِكْمَةَ وَ ءَاتَيْنَاهُم مُّلْكاً عَظِيماً»، مؤید صحت دیدگاه علامه درباره معنای «تولی» است. آنچه که از ظاهر آیه ۵۳ و ٥٤ برداشت می‌شود این است که بنی‌اسرائیل از نعمت ملک عظیم داده شده به آل ابراهیم محروم شده‌اند و به همین سبب نسبت به آلابراهیم حسادت می‌ورزند. حکومت بزرگی که در این فراز بدان اشاره شده باید غیر از حکومتی باشد که سابق بر این به برخی از انبیاءِ بنی‌اسرائیل (حضرت یوسف (ع)، حضرت داوود (ع) و حضرت سلیمان(ع)) اعطا شده است؛ چرا که در واقع این حکومت‌ها به بنی‌اسرائیل داده شده و جایی برای حسادت ندارد. بر همین اساس علامه مقصود از آل ابراهیم را در این آیه بنی‌اسماعیل می‌داند و نه بنی‌اسرائیل (طباطبایی، ١٤١٧ق: ج ٣٧٦/٤).

صفت «عظیم» برای ملک گویای این است که حکومت داده‌شده به بنی‌اسماعیل، از حکومت انبیاء بنی‌اسرائیل بسیار فراتر است و از آنجا که هیچ‌کدام از بنی‌اسماعیل تا قبل از بعثت حضرت محمد (ص) به حکومت نرسیده‌اند، این نتیجه به دست می‌آید که این ملک عظیم، حکومت چهارده معصوم (ع) است. در این باره روایات متعددی نیز وارد شده است: «عن برید العجلی قال: سألت أباجعفر علیهالسلام عن قول الله عز و جل: «أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ» یعنی الإمامة و الخلافة (کلینی، ١٣٦٩: ج ١٥٩/١). عن أبی عبد الله علیهالسلام فی هذه الآیة: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ» فقال: نحن الناس الذین قال الله: و نحن و الله المحسودون و نحن أهل هذا الملک الذی یعود إلینا» (صفار قمی، ١٤٠٤: ج ٥٦/٩). از این روایات و موارد متعدد مشابه آن برداشت می‌شود که مقصود از «ملک عظیم» خلافت امیرالمؤمنین علی (ع) است که با دسیسهٔ یهود از ایشان غصب شده است و سرانجام با حکومت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف به ایشان باز خواهد گشت. بر این اساس، بخش مهمی از فسادانگیزی یهود ممانعت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

از تحقق حکومت حق است که به طور خاص از زمان سقیفه بنی‌ساعده آغاز و تاکنون نیز ادامه دارد.

ممکن است این سؤال مطرح شود که با توجه به اینکه طبق نظر مفسران این آیه در شأن منافقان نازل شده است (طباطبایی، ١٤١٧ق: ج ٩٦/٢؛ بیضاوی، ١٤١٨ق: ج ١٣٣/١) چطور می‌توان آن را با یهود مرتبط دانست؟ در این خصوص باید گفت که ارتباط یهود و منافقان آنقدر تنگاتنگ است که قرآن کریم در آیه ١١ سوره حشر از این ارتباط با عنوان برادری یاد می‌کند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَ لا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَداً أَبَداً وَ إِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكاذِبُونَ». بدین سبب اغلب مفسران بر این باورند که یهود و منافقان در عقیده و عملکرد، مشترک و در تعامل نزدیک با یکدیگرند (طبرسی، ١٣٧٢ش: ج ٣٩٥/٩؛ فخر رازی، ١٤٢٠: ج ٥٠٩/٢٩؛ بیضاوی، ١٤١٨ق: ج ٢٠١/٥).

بر پایهٔ این سخن میتوان آیات ٢٠٤ تا ٢٠٦ سوره بقره را از باب جری و تطبیق درخصوص یهود نیز دانست. به ویژه آنکه تمام خصوصیات ذکرشده برای فسادگستری یهود در قبل را در این آیه نیز می‌بینیم. از جمله اینکه معنای تولی و به قدرت رسیدن را در آیه ٤ إسراء در عبارت «ولتعلن علوا کبیراً» می‌یابیم (فخر رازی، ١٤٢٠ق: ج ٢٩٩/٢٠؛ طباطبایی، ١٤١٧ق: ج ٣٨/١٣). واژه «سعی» در آیه ٢٠٤ بقره، مؤید و یادآور واژه «یسعون» و «یسارعون» در آیات ٦٢ و ٦٤ سوره مائده است که پیشتر ذکر شد. همچنین واژه «لیفسد» مؤید آیات ٦٠ بقره و ٦٤ مائده است و عبارت «ألد الخصام» هممعنا با عبارت «أشد الناس عداوه» در آیه ٨٢ مائده است.

ممکن است این شبهه مطرح شود که قوم بنی‌اسرائیل براساس آیات ٤٧ و ١٢٢ بقره نسبت به تمام جهانیان برتری داده شده‌اند: «يا بَنِي إِسْرائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ أَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعالَمِين» و به آنها نعمت‌های بی‌سابقه و پادشاهی نیز اعطاء شده است: «وَ إِذْ قالَ مُوسى لِقَوْمِهِ يا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِياءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكاً وَ آتاكُمْ ما لَمْ يُؤْتِ أَحَداً مِنَ الْعالَمِين» (مائده/٢٠). پس مخالفت با آنها به ویژه در زمینه کسب قدرت سیاسی و ایجاد حکومت جهانی یهود، با قرآن مغایرت دارد.

برای پاسخ به این ابهام لازم است به عذاب‌های متعدد و منحصربه فردی که بر این قوم نازل شده است، توجه کرد. از جمله تبدیل ایشان به بوزینگانی طردشده: «وَ لَقَدْ عَلِمْتُمُ

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

الَّذينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خاسِئين» (بقره/٦٥) که در اثر نافرمانی این قوم به وقوع پیوست. در واقع بنی‌اسرائیل در برابر نعمت‌های بی‌شمار و بی‌سابقهٔ الهی، به طغیانگری‌های مکرر و بی‌سابقه‌ای همچون کشتار گستردهٔ پیامبران دست یازیدند: «فَبِما نَقْضِهِمْ ميثاقَهُمْ وَ كُفْرِهِمْ بِآياتِ اللَّهِ وَ قَتْلِهِمُ الْأَنْبِياءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ قَوْلِهِمْ قُلُوبُنا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْها بِكُفْرِهِمْ فَلا يُؤْمِنُونَ إِلاَّ قَليلا» (نساء/١٥٥) که در نهایت منجر به گرفتار شدن ایشان به نفرین الهی شده و از فرصت رهبری و برتری بر سایر اقوام محروم شده و به استناد آیه «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ غَضِبَ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَ الْخَنازيرَ وَ عَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولئِكَ شَرٌّ مَكاناً وَ أَضَلُّ عَنْ سَواءِ السَّبيلِ» (مائده/٦٠) مستحق بدترین جزا بوده و به پست‌ترین جایگاه در دنیا و آخرت فروکشیده شدند.

سخن آخر اینکه فسادانگیزی یهود در عرصهٔ اقتصادی با محوریت ربا، رشوه، خوردن به ناحق مال مردم، تحریم، نابود کردن کشاورزی و دامداریِ سایر جوامع و در عرصهٔ فرهنگی با ایجاد تحریف و انحراف در دین و فاسد کردن زنان و کودکان و قطع روابط خویشاوندی بروز می‌کند و زمانی به اوج خطر می‌رسد که با خوی سلطه‌جویی و به زیرکشاندن سایر ملت‌ها در عرصهٔ قدرت سیاسی همراه شود. این خطر در آیات ٥٤ نساء، ٤ إسراء (فخر رازی، ١٤٢٠ق: ج ٢٩٩/٢٠) و ٢٠٤ بقره (طباطبایی، ١٤١٧ق: ج ٩٦/٢؛ فیض کاشانی، ١٤١٥ق: ج ٢٤٠/١؛ آلوسی، ١٤١٥ق: ج ٤٩١/١) گوشزد شده است.

خصلت برتری‌جویی و غصب قدرت و حاکمیت بر تمام جوامع در سطح جهان، در کتب دینی آیین تحریف‌شده یهود کاملاً مشهود است؛ تا جایی که صراحتاً بر این اعتقادند که غیر یهودیان، حیواناتی انسان‌نمایند که برای نوکری یهود آفریده شده‌اند و در صورت امتناع و سرکشی باید کشته شوند: «ملت برگزیدهٔ خداوند ماییم و لذا برای ما حیوانات انسان‌نمایی خلق کرده است، زیرا خدا می‌دانست که ما احتیاج به دو قسم حیوان داریم، یکی حیوانات بی‌شعور و غیرناطقه مانند بهائم و دیگری حیوانات ناطقه و با شعور مانند مسیحیان و مسلمانان و بودائیان» (Talmud: Midrasch Talpioth: 225, Warsaw 1855T) و معتقدند که اگر غیر یهودیان از نوکری یهود سرباز زنند باید کشته شوند: «ایشان را مانند گوسفندان برای ذبح بیرون کش و ایشان را به جهت روز قتل تعیین نما (عهد عتیق، سفر تثنیه، باب٢٠، بند٣). یهودیان صهیونیست نه تنها جان و مال که ناموس غیریهودیان را هم حلال می‌شمارند:

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

«تعدی به ناموس غیریهودی مانعی ندارد، زیرا کفار مثل حیواناتاند و حیوانات را زناشویی نیست. یهودی حق دارد، زن‌های غیر مؤمنه (زنانی که یهود نباشند) را به غصب برباید و زنا و لواط با غیر یهودی عقاب و کیفری ندارد» (Talmud: Bammidber raba c 21 & jalkut 772, Sepher Ikkarim III c 25) و برای نیل به این اهداف هر لحظه به دنبال جنگ‌افروزی نظامی هستند. این مطلب را می‌توان از ظاهر عبارت «ولایزالون یقاتلونکم» در آیه ۲۱۷ بقره و عبارت «کلما اوقدوا نارا للحرب» در آیه ٦٤ مائده برداشت کرد.

خلاصه آنکه فسادانگیزی یهودیان ستمگر و به تبع آن رژیم صهیونیستی به چهار عنوان اصلیِ اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی تقسیم می‌شود که هدف اقتصادی به عنوان هدف اصلی و سه هدف بعدی در راستای تحقق هدف اقتصادی ارزیابی می‌شوند.

جوامع و سرزمینهای در معرض خطر

بعد از تبیین کیفیت و ماهیت فسادگستری یهود لازم است مشخص شود که کدام جوامع در معرض خطر قرار دارند. برای بررسی این مهم توجه به نظرات مختلف مفسران درباره واژه «ارض» در آیات مورد بحث ضرورت دارد. نظر آلوسی ذیل آیه ٦٠ سوره بقره که می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» چنین است: «و المراد من الأرض عند الجمهور أرض التيه. و يجوز أن يريدها و غيرها مما قدروا أن يصلوا إليها فينالها فسادهم و جوز أن يريد الأرضين كلها و (أل) لاستغراق الجنس» (آلوسی، ١٤١٥: ج ٢٧٣/١). البته آلوسی منظور خود را از عبارت جمهور به طور دقیق مشخص نکرده و سایر مفسران نیز ذیل این آیه متعرض این بحث نشده‌اند، اما ظاهر کلام آلوسی نشان می‌دهد که وی منظور از «ارض» را تمام سرزمین‌ها می‌داند و اینکه «الارض» بدون قید آمده است، نیز مؤید این نظر است. آیه بعدی که این کلمه بدون شک با الفولام استغراق جنس در آن به کار رفته است: «يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ» مؤید دیگری بر این نظر است.

شبیه همین بحث ذیل آیه «وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا» (اسراء/٤) نیز مطرح است: برخی از مفسران بر این نظرند که مقصود از «ارض» سرزمین مصر است (فخر رازی، ١٤٢٠ق: ج ٢٩٩/٢٠؛ ابن جوزی، ١٤٢٢ق: ج ١٠/٣؛ ابن قتیبه، قرن ٣: ج ٢١٣/١) و برخی دیگر آن را سرزمین شام می‌دانند (تفسیرالجلالین،

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

١٤١٦ق: ج ٢٨٦/١؛ قرطبی، ١٣٦٤ش: ج ٢١٤/١٠). برخی نیز آن را بر سرزمین فلسطین منطبق می‌دانند (طبرسی، ١٣٧٢ش: ج ٦١٤/٦). اما هیچ کدام برای معانی مذکور دلیلی ذکر نکرده‌اند.

در این میان صاحب تفسیر الفرقان بحث دقیق‌تری مطرح کرده است. ایشان بر این نظر است که واژه «ارض» تمام سرزمین‌ها را شامل می‌شود. چون اگر مقصود، سرزمین فلسطین بود یا باید با صفت «المقدسه» همراه می‌شد، همان طور که در جای دیگری چنین فرموده است: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ لا تَرْتَدُّوا عَلى أَدْبارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خاسِرِينَ» (مائده/٢١) یا باید نکره می‌آمد که به محدود بودن اشاره می‌داشت، مانند آیه ٩ سوره یوسف: «اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضاً». ایشان سپس نتیجه گرفته است که واژه «ارض» تمام سرزمین‌ها را دربرمی‌گیرد (صادقی تهرانی، ١٣٦٥ش: ج ٣٣/١٧). برای تأیید این نظر می‌توان آیاتی را ذکر کرد. مانند: «وَ نَجَّيْناهُ وَ لُوطاً إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بارَكْنا فِيها لِلْعالَمِينَ» (انبیاء/٧١) و «وَ لِسُلَيْمانَ الرِّيحَ عاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بارَكْنا فِيها وَ كُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عالِمِينَ» (انبیاء/٨١) که در هر دو مورد برای بیان سرزمین فلسطین از کلمه «ارض» با وصف «بارکنا» استفاده شده است.

در برخی روایات، تأویل فساد اول و دوم بنی‌اسرائیل، شهادت امام علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام دانسته شده است: «عن أبی عبدالله علیهالسلام فی قوله تعالی: «وَ قَضَيْنا إِلى بَنِي إِسْرائِيلَ فِي الْكِتابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» قال: قتل علی بن أبی طالب و طعن الحسن علیهالسلام و «لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيراً» قال: قتل الحسین علیهالسلام (کلینی، ١٣٦٩: ج ٢٠٦/٨، ح٢٥٠). این روایت و روایات مشابه آن نیز مشخص می‌کند که مقصود از «ارض» در آیات مورد بحث به سرزمین خاصی منحصر نیست و تمام جوامع در معرض خطر فسادگستری یهود قرار دارند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

بحث و نتیجه گیری

۱. اغلب پیروان آیین یهود که به عبارت دیگر، همان قوم بنی‌اسرائیل‌اند، برخلاف گروه میانه‌رو که در اقلیت قرار دارند، به تصریح قرآن کریم قومی فاسدند. البته تفاوتی مهم بین این افراد و سایر اقوام فاسد وجود دارد که عبارت است از حرص و تلاش شدید و بیوقفه بنی‌اسرائیل برای گسترش فساد در سایر اقوام و جوامع. این مطلب را می‌توان از آیات ٦٠ بقره، ٤ أسراء، ٦٢ و ٦٤ مائده، ١٦٠ نساء و ٨٢ مائده برداشت کرد.

۲. فسادگستری اسرائیلی‌ها کاملاً برنامه‌ریزی شده و از موضع حق به جانب است و از دشمنی سرسختانه قوم یهود و بنی‌اسرائیل با مـؤمنان نشأت می‌گیرد.

۳. به استناد آیات ٤٢ و ٦٢ مائده، ٢٠٤ بقره، ٥٣ و ١٦١ نساء بخش مهمی از فسادگستری یهود جنبه اقتصادی دارد و از طریق تحریم، نابودی کشاورزی و دامداری و نابودی مردم و به ویژه گسترش پول ربوی در سایر جوامع انجام می‌شود. امری که در نهایت به استناد «یمحق الله الربا» به فروپاشی کامل اقتصادی جوامع منجر خواهد شد و به صراحت مورد اشاره علمای یهود به عنوان هدف اصلی قرار گرفته است.

٤. فسادانگیزی یهود ابعاد فکری و فرهنگی نیز دارد که به قرینه آیات دیگر، این انحراف فرهنگی با انحراف اقتصادی در ارتباط بوده و ریشه در لقمه‌های حرام دارد.

۵. یکی از ابعاد فسادانگیزی این قوم به استناد آیات ٢٠٤ بقره، ٥٤ نساء و ٤ إسراء جنبه کسب حکومت و قدرت سیاسی است.

٦. یهود برای نیل به اهداف فوق در هر زمان به دنبال جنگ‌افروزی نظامی است.

۷. مضارع بودن فعل‌های بیانگر فساد بنی‌اسرائیل مبین این مطلب است که فسادگستری آنها بی‌وقفه و همیشگی بوده و به زمان خاصی محدود نمی‌شود.

۸. با توجه به اطلاق واژه «الارض» در آیات مذکور مشخص می‌شود که هیچ قوم و سرزمینی از آسیب فسادانگیزی گسترده یهود در امان نیستند، ضمن اینکه به استناد آیه ۸۲ مائده جامعه مؤمنان در معرض تحمل بیشترین ضربات‌اند.

۹. مهم‌ترین مشخصه غده سرطانی به استناد منابع علم طب گسترش آلودگی از یک توده کوچک به سایر بافت‌های بدن – متاستاز – است و تشبیه اسرائیل به غدهٔ سرطانی از سوی امام خمینی کاملاً با خوی فسادگستری این قوم که در قرآن کریم بیان شده و در میدان عمل

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

نیز مشاهده می‌شود، تطابق داشته و یک شعار سیاسی صرف و یا یک موضع‌گیری متعصبانه نیست.

۱۰. سیاست جمهوری اسلامی ایران از یک سو در قبال یهودیان میانه‌رو و هموطنان کلیمی و از سوی دیگر در مواجهه با رژیم صهیونیستی اسرائیل چه در زمان حضرت امام و چه در دوران رهبری مقام معظم رهبری – مدّ ظلّه – یک سیاست اصولی مستظهر به آیات قرآن و منطبق بر جهانبینی صحیح اسلامی است.

پیشنهاد

بررسی چرایی تأکیدات مکرر امام خمینی مبنی بر ضرورت نابودی هر چه سریعتر رژیم صهیونیستی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن و روایات.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

منابع

قرآن کریم

ابن ابی حاتم (قرن ٤). تفسیر القرآن العظیم.

ابن جوزی، عبدالرحمن ابن علی (١٤٢٢ق). زادالمسیرفی علم التفسیر. بیروت: دارالکتاب العربی.

ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (بیتا). غریب القرآن. بیروت: دار و مکتبهٔ الهلال.

آلوسی، سیدمحمود (١٤١٥ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.

بابایی، محمود (١٣٩١). «امنیت هستی‌شناختی و مسائل امنیتی خلیج‌فارس بعد از انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام. شماره ٤، صص ١٧٣-١٥٤.

بخاری، محمدبن اسماعیل (١٤١٠ق). صحیح البخاری. قاهره: المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه.

بیضاوی، عبدالله ابن عمر (١٤١٨ق). أنوارالتنزیل وأسرار التأویل. بیروت: دارإحیاءالتراث العربی.

ترمذی، محمد بن عیسی (١٤١٩ق). سنن الترمذی. قاهره: دارالحدیث.

تهرانی، محمدصادق (١٣٦٥ ش). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.

الثعالبی، عبدالرحمن (١٤١٦ق). جواهر الحسان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ثعلبی، احمد بن محمد (١٤٢٢ق). الکشف و البیان. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

ثمالی، ابوحمزه (قرن ١). تفسیر القرآن الکریم.

خمینی، روحالله (١٣٨٩ش). صحیفه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امامخمینی.

رازی، ابوالفتوح (١٤٠٨ ق). روضالجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

زارعی، بهادر (١٣٩٢). «حقوق اقلیت‌ها از سه منظر؛ اسناد بین‌المللی، اسلام و قانون اساسی ج.ا.ایران». فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام. شماره ١، صص ٧٠-٤٩.

زمخشری، محمود (١٤٠٧ق). الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتاب العربی.

زیباکلام، صادق (١٣٩٢). http://farhangemrooz.com/news.

ـــــــــ (١٣٩٤). https://www.parsine.com/fa/news.

سیار، پیروز (١٣٩٧ش). عهد عتیق. تهران: نشر هرمس.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (١٤٠٤ ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: دفتر نشر آیت العظمی مرعشی نجفی.

ـــــــــ (١٣٠٠ق). جمع الجوامع او جامع الکبیر. قاهره: الهیئهٔ المصریهٔ العامهٔ للکتاب.

شکوهی، سعید (١٣٩٣). «نگرش قدسی به سیاست بر روابط خارجی در اندیشه اندیشمندان ایرانی». فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام. شماره ١، ص ٧٧-٥٤.

صفارقمی، محمدابن حسن (١٤٠٤ ق). بصائرالدرجات. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (١٤١٧ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

حوزه علمیه قم.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱٤۱۹ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
طوسی، محمدبن حسن (بیتا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
فخر رازی، محمد بن عمر (۱٤۲۰ ق). مفاتیح الغیب. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
فضلالله، سیدمحمدحسین (۱٤۱۹ ق). تفسیر من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک للطباعهٔ و النشر.
فیض کاشانی، ملامحسن (۱٤۱۵ ق). تفسیر الصافی. تهران: انتشارات الصدر.
قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۵۸ ش). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرایب. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳٦۹ ش). الکافی. تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
مارودی بصری، علی بن محمد بن حبیب (٤۵۰ ق). النکت و العیون. بیروت: دارالکتب العلمیه.
مجلسی، محمدباقر (۱٤۰۳ ق). بحارالانوار. تهران: انتشارات اسلامیه.
مصطفوی، حسن (۱۳٦۸ ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
موسوی، سیدمحمد (۱۳۹۱). «تحولات انقلابی مصر و جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه». فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام. شماره ۳، صص ۱۱۱-۸۷.
نویهض، عجاج (بیتا). پروتکلهای دانشوران صهیون. ترجمه حمیدرضا شیخی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

Alison, Malcolm, R. (2001). *The Cancer Handbook*. Second Edition. New York: Nature Publishing group.

Bank Failures in Mature Economics (April 2004). "Bank for International Settlements". Paper No.13.

Frei, Holland (2000). *Cancer Medicine*. Fifth Edition. London: B. C. Decker Inc.

Hayden, Frederick (October 2005). "Transmission of Avian Influenza Viruses to and between Humans". *The Journal of Infectious Diseases*, Volume 192, Issue 8.

Julian, K. C.; Ma, Pascal M. W. Drake (June 2008). *Genetically modified plants and human health*. J R Soc Med.

Poliakov, Leon (1997). *Protocols of the Learned Elders of Zion*, *Roth*, *Cecil*, *Encyclopedia Judaica*.

Sanctions Programs and Country Information, United States Department of the Treasury. 2017-03-09.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

(Babylonian Talmud, 24 volumes, Sources Library, Jerusalem, 1967-1972).

A/RES/181(II), United Nations General Assembly, 29 November 1947.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۴۰۳

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

ابراهیم‌نیای ترشیز، محمد؛ اسماعیلی‌زاده، عباس؛ رضائی کرمانی‌نسب‌پور، محمدعلی (۱۳۹۷)، «واکاوی مبانی قرآنی نظر امام خمینی دربارهٔ غدهٔ سرطانی بودن اسرائیل» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۸، ش٤، زمستان ۹۷، صص ۷٦-۵۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]